# بلاتکلیفی ۹ ساله شیطان در زندان

**گروه حوادث** – مرد افغان که با وسوسه آزار کردن دختر جوان تهرانی به خانه او رفته و دست به قتل زده بود، ۹ سال بلاتکلیف در زندان مانده است.

مرد افغان که با وسوسه آزار دختر جوان به خانه وی رفته و او را به قتل رسانده بود به خاطر ناتوانی اولیای دم در پرداخت تفاضل دیه ۹سال در زندان بلاتکلیف ماند. وی از قضات دادگاه خواست تا با قرار وثیقه از زندان آزاد شود.

**قتل دختر جوان در غیاب خانواده اش**

رسیدگی به این پرونده از زمستان سال ۹۳ به دنبال کشته شدن دختر ۳۳ ســاله ای به نام سحر در خانه شان در جنوب تهران آغاز شد. با گزارش این قتل ماموران به خانه دختر جوان در خیابان فلاح رفتند و جسد که آثار کبودی روی آن نمایان بود و شواهد نشان می داد با پیچیده شدن شال دور گردنش خفه شده با دستور قضایی به پزشکی قانونی منتقل شد.

برادر وی که شــوکه بود به ماموران گفت: سالهاســت من به همراه خواهر و مادرم در خانه مان زندگی می کنیم. روز چهارشنبه من و مادرم با هم به شهرستان رفتیم و خواهرم در خانه تنها ماند. اما وقتی صبح روز یکشنبه به خانه برگشتیم با جسد خواهرم روبه رو شدیم.

**ردیابی شیطان**

ماموران برای رازگشایی جنایت به تکاپو افتادند و در نخستین گام از تحقیقات به بررسی دوربین مداربسته ساختمان مجاور پرداختند. به این ترتیب فاش شد، مرد جوانی به نام رحمان که نگهبان خانه ای نیمه ساز در مجاورت خانه قربانی بود همزمان با قتل سحر ناپدید شده است.

به این ترتیب ماموران به ردیابی وی پرداختند و او را که قصد داشت غیرقانونی از مرز تایباد از کشور خارج شود در دیابی و بازداشت کردند.

**ادعای دروغین**

وی پس از دستگیری به قتل سحر اعتراف کرد و گفت: من مدتی بود نگهبان یک ساختمان نیمه ساز بودم. اتاق نگهبانی من به خانه سحر اشراف داشت و من همیشه آنها را میدیدم. آخرین بار وقتی متوجه شدم مادر و برادرش به مسافرت رفته اند فکر سرقت به سرم زد. من نیمه شب به آنجا رفتم تا سرقت کنم. اما دختر جوان مرا دید و من از ترس اینکه او مرا شناســایی کرده و به زودی مرا لو می دهد او را کشتم و فرار کردم.

وقتی پزشکی قانونی در گزارشی آثار کبودی روی بدن وی را تایید و اعلام کرد دختر جوان قبل از مرگ به شدت مورد ضرب و جرح قرار گرفته است احتمال آزار وی از سوی متهم قوت گرفت.

**اعتراف به جنایت شیطانی**

به این ترتیب رحمان بار دیگر تحت بازجویی قرار گرفت و حقیقت را فاش کرد.

وی گفت: وقتی فهمیدم دختر جوان در خانه تنهاست، فکر شیطانی به ذهنم رسید. من به آنجا رفته بودم تا او را آزار دهم اما او مقاومت کرد و من از ترسم او را کشتم.

به دنبال اعترافات نگهبان جوان، برای وی کیفرخواســت صادر و پرونده اش به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

**نخستین دادگاه**

در آن جلسه اولیای دم درخواست قصاص را مطرح کردند و مادر سحر که اشک می ریخت با اشاره به متهم گفت: او مردبی رحمانه دخترم را کشــت. ۳ شــبانه روز جسد دخترم در خانه مانده بود. او فکر شــومی در سر داشت و چون به نیت شومش نرسید دخترم را قربانی کرد. من به هیچ عنوان حاضر به گذشت نیستم و برای متهم درخواست قصاص دارم.

سپس متهم در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: من با قصد قبلی به خانه آنها نرفته بودم. به محض اینکه فهمیدم دختر جوان در خانه تنهاست فکر شــیطانی به سرم زد و به آنجا رفتم. اما وقتی او مقاومت کرد از ترسم او را با ضربه های چاقو کشتم.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و وی را به قصاص با پرداخت تفاضل دیه از سوی اولیای دم محکوم کردند.

**بلاتکلیفی در زندان**

چون اولیای دم توان پرداخت تفاضل دیه را نداشــتند دیگر پیگیر پرونده نشدند و رحمان بلاتکلیف در زندان ماند.

وی طی نامه ای از قضات دادگاه کیفری یک استان تهران درخواست کمک کرد. وی در نامه اش نوشت: چند سال است در زندان مانده ام و از این وضعیت خســته شده ام. تقاضا دارم یا اولیای دم تفاضل دیه را پرداخت کنند و اعدام شوم و یا آزاد شوم. چون دیگر تحمل این وضعیت را ندارم.

در حالی که قضات دادگاه تقاضای تعیین تکلیف وی را پذیرفته بودند او در شعبه دهم دادگاه کیفری بار دیگر از خود دفاع کرد.

**درخواست مادر قربانی از دادگاه**

در ابتدای جلسه مادر قربانی روبه روی قضات ایستاد و گفت: تنها با قصاص قاتل دخترم آرام می شوم. از وقتی دخترم کشته شده یک شب آرام نخوابیده ام. زندگی ام نابود شده و فقط قصاص می خواهم اما وضع مالی ما خوب نیست. شوهرم فوت شده و من به تنهایی توان پرداخت تفاضل دیه را ندارم. به همین خاطر از قضات می خواهم با پرداخت تفاضل دیه از صندوق بیت المال موافقت کنند تا قاتل دخترم قصاص شود. سپس متهم در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: قبول دارم مرتکب قتل شده ام اما از این وضعیت خسته شده ام یا زودتر اعدامم کنید یا اجازه دهید از زندان آزاد شوم و به زندگی عادی ام برگردم.

در پایان جلســه قضات وارد شور شدند و خواستند تا کارشناسان پزشکی قانونی درباره اینکه دختر جوان قبل از قتل مورد آزار قرار گرفته یا نه، اظهارنظر کنند. تا در این صورت متهم افغان علاوه بر قصاص به خاطر قتل، به خاطر آزار شیطانی به اعدام نیز محکوم شود. اما کارشناسان پزشکی قانونی اعلام کردند چون سه روز از قتل دختر جوان گذشته و جسد دچار فساد شده بود امکان اظهارنظر درباره این موضوع ممکن نیست. به این ترتیب و با این اظهارنظر قضات دادگاه مرد افغان را علاوه بر قصاص به ۹۹ ضربه شلاق نیز محکوم کردند.

**درخواست آزادی**

در حالی که ۹ سال از این جنایت گذشته و رحمان دوره محکومیتش از جنبه عمومی جرم را پشت سر گذاشته بود بار دیگر نامه ای به دادگاه نوشت و خواست تا با قرار وثیقه از زندان آزاد شود.

وی در شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران حاضر شد و گفت: ۹ سال است که بلاتکلیف در زندان مانده ام. یکبار پای چوبه دار رفتم. امــا اولیــای دم یک ماه مهلت گرفتند تا تفاضل دیه را بپردازند. اما نتوانستند آن را بپردازد و من بلاتکلیف در زندان مانده ام. حالا که ۹ سال است در زندانم تقاضا دارم تا با قرار وثیقه آزاد شوم.

در پایان جلســه قضات وارد شــور شــدند تا درباره این پرونده تصمیم گیری کنند.

# قاتلی که در حال پرسه زنی دستگیر شد

**گروه حوادث** – پسر جوان با ضربات متعدد هاون مادر خود را به قتل رساند.

دو روز قبل خبر به قتل رسیدن زن میانسال در خانه‌اش واقع در میدان فرمانداری شهریار از توابع تهران از سوی یکی از بســتگان نزدیک او به پلیس مخابره شد. با اعلام این خبر تیمی از مأموران جنایی برای رســیدگی به موضوع راهی محل حادثه شدند.

بررســی های ابتدایی حکایت از آن داشت که زن حدودا ۷۰ساله با اصابت ضربات متعدد هاون به سر و صورتش جان خود را از دست داده بود. شدت ضربات وارده به حدی زیاد بود که صورت مقتول به کلی متلاشی شده و به سختی قابل شناســایی بود. تیم جنایی در اولین قدم از تحقیقات خود، اولین کسی که بالای سر جسد حاضر شده و موضوع را به پلیس اطلاع داده بود را تحت بازجویی قرار دادند.

او به ماموران گفت: «من خواهر شوهر مقتول هستم. برادرم یعنی شوهر مقتول، سال‌ها قبل در جوانی فوت کرد. او ۴ فرزند داشــت که دو دختر و یک پسرش ازدواج کرده‌اند اما فرزند آخرش پسر حدودا ۳۵ساله‌ای بود که از مشکل روحی رنج می‌برد و نمی‌توانست ازدواج کند.»

او در ادامــه گفت: «مدتی قبل مادر مقتول (عروس‌مان) به رحمت خدا رفته و او برای انجام مراســم ترحیم مادرش به شهرســتان رفته بود. وقتی برگشت خانم‌های همسایه می‌خواســتند برای عرض تسلیت به خانه‌اش بیایند. زن برادرم آش پخته و همسایه‌ها را دعوت کرد تا برای مادرش ختم انعام برگزار کند.»

سپس درمورد روز حادثه ادامه داد: «من زودتر از بقیه مهمان‌ها آمده بودم تا کمی به او در آماده کردن وسایل مهمانی کمک کنم. درست نیم ســاعت قبل از اینکه به خانه‌شان برسم مقتول به من زنگ زد و گفت پس چرا نمی‌آیی؟

گفتم منتظر فرزندم بودم که از مدرســه بیاید. حالا آمده و مــن همین الان راه می‌افتم. این را گفتم و وقتی قطع کردم بلافاصله راهی خانه‌اش شدم. اما وقتی رسیدم چند بار زنگ در را زدم و کسی باز نکرد. تعجب کرده بودم چون مقتول منتظرم بود و حالش خوب بود. مطمئن بودم بیرون از خانه نمی‌رود برای همین شــماره تلفن خانه را گرفتم که پسر کوچک برادرم جواب داد.

گفتم چرا در را باز نمی‌کنید؟ گفت عمه من مادرم را کشته‌ام، خــودم هم دارم می‌روم! این را گفت و قطع کرد. ســر در نیاوردم چه گفت و واقعا شــوکه شده بودم. باورم نمی‌شد دست به چنین کار وحشتناکی زده باشد اما اضطراب گرفته بودم. همان جا ایســتاده بودم و پشت سر هم زنگ می‌زدم که بالاخره پسر برادرم در را باز کرد و خودش با سرعت از خانه خارج شد. سپس من داخل آمدم و با جسد غرق در خون همسر برادرم مواجه شدم.»

**بازداشت متهم به قتل مادر**

شــواهد باقی مانده در صحنه جنایت نشان می‌داد که فرد غریبه‌ای وارد خانه نشده و صحت ادعای عمه مقتول اثبات می‌شد. در حالی که متهم متواری شده بود تلاش برای یافتن ردی از او ادامه پیدا کرد و جسد با دستور بازپرس پرونده برای انجام معاینات و آزمایش‌های لازم راهی پزشــکی قانونی شد.

با گذشت ۲۴ ساعت از زمان وقوع جنایت سرانجام متهم در حالی که در خیابان‌ها پرسه می‌زد توسط ماموران انتظامی شناسایی و دستگیر شد. او پس از دستگیری اظهار داشت که بعد از قتل مادرش بی‌هدف در خیابان‌ها سرگردان بوده است تا اینکه بالاخره به دام ماموران افتاده اما هنوز در مورد انگیزه قاتل از قتل فجیع مادرش اطلاعی در دست نیست.

بنا بر این گزارش رســیدگی به این پرونده تا روشن شدن انگیزه دقیق متهم و همچنین بررسی صحت و سلامت روان او در دستور کار قضایی قرار دارد.

# مرد معتاد به خاطر پول برادرش را کشت!

**گروه حوادث** – مرد معتاد که برای گرفتن پول به سراغ برادرش رفته بود وقتی با پاسخ منفی او مواجه شد، در اقدامی هولناک وی را با ضربات چاقو به قتل رساند و سپس خودزنی کرد.

ســاعت ۱۱ ظهر چهارشنبه ۲۷ دی، مأموران کلانتری ۱۰۳ گاندی در تماس با بازپرس محمدمهدی براعه از قتل مرد میانسالی در دفتر کارش خبر دادند. وقتی تیم بررسی صحنه جرم راهی طبقه اول ساختمانی تجاری در محدوده میرداماد شدند با در ورودی دفتر که شکسته بود، روبه رو شدند و چند مرد و زن نیز در محل حضور داشتند. با ورود تیم جنایی به دفتر معاملات ملکی، جسد مرد میانسال در اتاق کارش در حالی که با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بود، دیده شد.

در چند قدمی مقتول؛ مرد جوانی نیز افتاده بود که از ناحیه شکم زخمی شده و خونریزی داشت. چاقوی خونینی نیز در چند متری آنها افتاده بود. به دستور بازپرس جنایی، جسد مرد میانسال به پزشکی قانونی منتقل شد و مرد جوان نیز برای درمان به بیمارستان انتقال داده شد.

بررسی های اولیه نشان می داد که دفتر املاک متعلق به مقتول است و منشی او در تحقیقات گفت: رئیسم داخل اتاقش بود که زنگ در ورودی دفتر زده شد. در را که باز کردم، برادر رئیسم پشت در بود. موضوع را به رئیسم گفتم و او هم اجازه ورود داد. بعد از لحظاتی برادر مقتول از من خواست که دفتر را ترک کنم و من هم طبق خواسته‌اش عمل کردم.

او ادامه داد: از دفتر خارج شدم و چند دقیقه‌ای نگذشته بود که صدای دعوا و درگیری از پشت در شنیده شد. هر لحظه صدا بلندتر و درگیری آنها بیشتر می‌شد. من که خیلی ترسیده بودم، هراسان خودم را به طبقه دوم رساندم و از کارمندان دفتر طبقه بالایی کمک خواستم. با درخواست من؛ آنها به طبقه پایین آمدند. چندین بار در دفتر را زدیم ولی کسی در را باز نکرد. نیم ساعتی از دعوا گذشته بود که ناگهان صدا قطع شد و همین مسأله هراس ما را بیشتر کرد. وقتی کسی در را باز نکرد به ناچار در را شکستیم اما در اتاق با پیکرهای خونین دو برادر مواجه شدیم و به پلیس و اورژانس خبر دادیم. زمانی که امدادگران اورژانس به محل رسیدند، متوجه شدیم که رئیسم فوت کرده است.

در ادامه تحقیقات، برادر مقتول در بیمارستان تحت درمان قرار گرفت و مرد ۳۸ ساله که وضعیت جسمی اش کمی بهتر شده بود به قتل ناخواسته برادرش اعتراف کرد. میلاد، متهم ۳۸ ساله، بیکار و معتاد به مواد مخدر است. او پس از بهبودی نسبی، جزئیات جنایت را برملا کرد.

**اختلافت با مقتول بر سر چه بود؟** اختلافی با هم نداشتیم. او برادر بزرگتر و البته ناتنی‌ام بود. در این سال‌ها همیشه هوای مرا داشت. اما نمی‌دانم چه شد که یک دفعه رفتارش تغییر کرد. من بیکار بودم و هر چند وقت یک بار به سراغ او می‌رفتم تا کمی از او پول قرض بگیرم. اما این روزهای آخر هر بار که از او درخواست پول کردم، می‌گفت دیگر به من پول نمی‌دهد.

**دلیلش چه بود؟** می‌گفت دیگر از دستت خسته شده‌ام، گفت دیگر پول نمی‌دهم چون هر چه پول می‌گیری خرج مواد و اعتیاد می‌کنی.

**از چه زمانی تصمیم به قتل گرفتی؟** نمی‌خواستم او را به قتل برسانم و همه چیز خیلی اتفاقی و ناگهانی رخ داد.

**پس چرا با خودت چاقو بردی؟** چاقو بردم که او را بترسانم. وقتی به دفتر رسیدم؛ از منشی‌اش خواستم آنجا را ترک کند. ابتدا سعی کردم او را راضی کنم که به من پول قرض دهد، اما بی‌فایده بود و بعد از چند لحظه دعوایمان شد. خیلی عصبانی بودم و ناخواسته دست به جیب بردم و به برادرم حمله کردم.

به خودم که آمدم او را خونین روی زمین دیدم، از کاری که کرده بودم پشیمان شدم و با خودم گفتم جواب خوبی‌های برادرم را با نامردی دادم به همین دلیل تصمیم به خودکشی گرفتم و دو ضربه چاقو به شکمم زدم تا به زندگی‌ام پایان دهم ولی زنده‌ماندم.


## نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ – ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir
نیازمندی ها

**استخدام**

**استخدام گرافیست**
گرافیست آشنا به فتوشاپ مورد نیاز است.
متقاضیان به نشانی، خیابان فردوسی، ویلاهای مروارید، بلوک B 3، طبقه سوم، واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند.
شماره تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

از مترجم متن زبان، فارسی به انگلیسی به صورت پاره وقت دعوت به عمل می آید. ۴۴۴۲۴۹۹۹

**استخدام منشی عصر ساکن کیش**
یک شرکت برای تکمیل نیروهای موردنیاز خود، منشی شیفت عصر استخدام می نماید. متقاضیان با شماره ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹ تماس حاصل فرمایند.
ساعت کاری: ۳ تا ۹ شب

اقتصاد کیش روزنامه ۴۴۴۲۴۹۹۹
با یک تماس مشترک شوید

**درب اتوماتیک**

درب های اتوماتیک
**دارکوب**
۰۹۱۲۹۴۲۴۰۲۲

**غذای خانگی**

**آشپزخانه خانگی دلیخون**
آماده پذیرش سفارشات شما
۰۹۴۶۹۱۰۳۰۲۵

**غذای خانگی روغنی**
با مدیریت خانم روغنی
فاز ۷ صدف، مرکز خرید سلطانیه
۰۷۶۹۱۰۳۰۲۰۷
۰۹۱۲۳۴۵۸۷۷۶

**نقاشی ساختمان**

**نقاشی ساختمان زارعی**
با ۱۵ سال سابقه کار در جزیره کیش و تهران
اجرای انواع رنگ های داخل و نما
سانمارکو. جوتن. اکرلیک. پلاستیکی. روغنی. پتینه
درزگیری. ماستیک کناف. مولتی کالر. کینتکس و رونکس و... سیلر کلر درب چوبی و آهنی
انواع رنگ مختلف دلخواه شما مشتری گرامی
تلفن: ۰۹۳۴۷۶۹۸۶۱۰
واتساپ: ۰۹۱۹۸۷۱۶۲۵۰
اینستاگرام: Bac_graphic

**مبل شویی**

**مبل شویی سیار**
شستشوی مبل صندلی تشک
موکت فرش
با بهترین کیفیت و نازل ترین قیمت
در اسرع وقت
۰۹۳۸۲۸۰۲۲۹۳
۰۹۱۷۴۵۷۹۱۱۰

**مفقودی**

اصل کارت کیشوندی به شماره ۲۱۷۳۸۵/۰۱ به نام مهدی یوسفی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

**حمل بار**

**حمل و جابجایی کالا**
با ۶ چرخ در سطح جزیره
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

**تعمیرات کولر**

تعمیرات کولر – اسپیلت
۰۹۳۹۱۴۹۵۵۱۸ جاسم کریمی
فوری – مطمئن

صنایع چوب **حلاج کیش**
کلیه سفارشات
MDF، چوبی
دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن: ۷۶۹۸۲۵۲۰